

علی نقی منزوی

بیروت

تنقیح الابحاث ابن کمونه

دستی بنشره موسی پرلمان

من مطبوعات جامعه کالیفرنیا

۱۱۹ ص . + ۱۲ ص .

-۳-

در دنبال مقاله پیشین اینجانب که در آن مجله گرامی منتشر گردیده است، باید عرض کنم: گرچه من از سال ۱۹۶۴ بفکر چاپ این رساله منسوب به ابن کمونه می بودم ، و بسال ۱۹۶۶ رسماً چاپ آنرا بدانشگاه یسوعیه بیروت پیشنهاد نمودم ، لیکن هیچگاه ، وجدانم با انتساب این کتاب باین مؤلف موافق نبود و بدنباله أدله تأیید یاردمی گشتم، تا بالاخره خوشبختانه آقای موشه پرلمان، آنرا در دانشگاه کالیفرنیا بایک پیش گفتار کوتاه بانگلیسی چاپ نمود ، و گناه انتساب این وصله ناجور بادیکر مؤلفات ابن کمونه را باین مرد، ازدوش من برداشت.

مقدمه باید بگویم که اولاً: من صد درصد منکر چنین نسبتی نیستم، و همانگونه که درمقاله پیشین گفتم، ابن کمونه را در تألیف آن دستی بوده و راهنمایی کرده و شاید برخی بخشهایش نیز باملائی او و نوشته یک یهودی باشد. ثانیاً: نمی خواهم برخلاف نظر چاپ کنندگان محترم رساله «تنقیح» افتخار یهودی بودن او را از ایشان سلب نمایم و او را مسلمان جلوه دهم .

چون من این کمونه را يك فيلسوف می‌شمرم نه يك يهودی یا مسلمان.
 پس از آن دو مقدمه: اگر قصد از تأکید انتساب این کتاب به ابن کمونه، یهودی جلوه دادن او باشد، این انتساب خود مشکوک است، همانگونه که مآقرنها کوشیدیم، او را مسلمان و حتی شیعی جلوه دهیم، اکنون عده‌ای در صدد برآمده‌اند که وی را با هزار و يك دليل يهودی جلوه دهند، و این هر دو نادرست است. اینک من ترجمه بخشی از مقدمه‌ای که آقای موشه پرلمان برای این کتاب نوشته‌اند در اختیار خوانندگان محترم می‌نهم، و سپس نظریات خود را در دنباله آن بیان می‌نمایم. آقای پرلمان پس از مقدمه بسیار مختصر در باره دوره مغول به معرفی نسخه‌های که در چاپ مورد استفاده ایشان قرار گرفته است پرداخته می‌گوید:

در سده پیشین آقای موریتس استین شنیدم متوجه‌شد که «تنقیح الابحاث» يك سند مهم جدلی بین مذاهب در قرون وسطی و در زبان عربی است، و سودمندترین خلاصه‌ای در این رشته ادبیات می‌باشد. (۱)

داوید ه. یانز در يك بررسی دقیق از این کتاب می‌گوید: نوشته‌های این کمونه سندیت استثنائی و مهمی در استنتاجات عقلی قرون وسطی داشته‌است. (۲) صرف نظر از شواهدی که این مقتبمان آورده‌اند، بخشی از فصل راجع به یهودا و نیز به وسیله لوهیر شغلد چاپ شده است. (۳)

نسخه حاضر (مقصود چاپ پرلمان است) بر پایه پنج نسخه نهاده شده که دو نسخه، آن بخط عبری می‌باشد، و نویسنده نسخه دیگر مصدر مسیحی دارد. کهن ترین این پنج نسخه از آن مجلس در تهران است (۴) که در يك مجموعه همراه رساله سموئیل مغربی «افحام اليهود» (۵) می‌باشد که يك قرن پیشتر از آن نوشته شده است. و سپس يك نامه فلسفی است از ابن کمونه به پسرش. این مجموعه بسیار فرسوده است، و «تنقیح» در صدد و صفحه ۱۹ سطری از آن است که بخط فارسی (نستعلیق) است. از پایان رساله سموئیل برمی‌آید که این مجموعه در نزدیک شیراز در ۶۸۵ (۱۲۸۶) نوشته شده است.

يك جلد از مقالات ابن کمونه با خطهای گوناگون بر صفحه‌های باریک

در کتابخانه سلیمانیه استانبول هست که نزدیکی قابل ملاحظه‌ای بانسخه تهران دارد، و در نقطه گذاری آن اهمال گردیده، و بتاریخ ۶۹۶ (۱۲۹۷) در مدرسه نوریه موصل تهیه شده است. (۶)

نسخه کتابخانه انگلیکان رم بخط خوش در ۷۵۵ (۱۳۵۴) نوشته شده است. هم نویسنده و هم حاشیه نگار مسیحی آن در ماردین می‌زیسته‌اند. (۷)
نسخه عبری نویس برلین، که بسال ۱۶۵۲ سلوکی (۱۳۴۱) نوشته شده، نیز از ماردین بدانجا آمده است. این نسخه بانسخه منحصر بفرد مقاله مؤلف در فرق میان ربانیان و قرائیان یهود که تاریخ ۶۷۹ (۱۲۸۰) دارد، در يك مجلد است. (۸)

دومین نسخه عبری نویس در کتابخانه بادلیان افسورد است، و يك تملك ۱۶۶۴ (۱۳۵۳) بر آن هست. چند برگ افتاده دارد، و با خطهای گوناگون نوشته شده است. (۹)

قابل توجه است که در نسخه‌های عبری نویس این کتاب نیز فرمول ستایش پیغمبر اسلام در دیباچه بصورت معمولی آمده است. شاید که مؤلف آنرا برای مسلمان نمائی نوشته باشد، و معقول‌تر آن است که نویسندگان مسلمان در آن دست برده باشند. و این هنگامی امکان دارد که بگوئیم نسخه‌های عبری نویس از روی نسخه عربی نویس نوشته شده‌اند. و ممکن است مقصود از «رسوله المصطفی» مفهوم عام باشد که یهودیان آنرا به موسی و مسلمانان به محمد بازگردانند.

د. ه. بانت حدس می‌زند که مؤلف با بکار بردن حمد و ثنای مسلمانی خواست راه را برای انتشار آن در میان خوانندگان باز کند، و هم این روش لایق يك فیلسوف می‌باشد که اگر همه ادیان را در حقانیت همانند نداند، لااقل آنها را در مشیت خداوند و به‌عنايت الهی بودن يك سان می‌داند.

این بود بخشی از مقدمه آقای پرلمان بر «تنقیح الابحاث» که برای تکمیل اطلاعات راجع باین کتاب، که در مقاله پیشین تقدیم شده بود ترجمه نمودم. اینک نظر اینجانب:

درحقیقت آقای پرلمان با چاپ این رساله خدمتی بسزا به تاریخ فلسفه نموده‌اند و بویژه که تألیف این رساله در شرایط بخصوصی ناشی از سقوط بغداد بدست مغلها و انقراض حکومت عباسی انجام شده و تألیف آن به کسی نسبت داده شده که عمری به مسلمانی شهرت داشته و چندین کتاب طبق اصول مسلمانی تألیف کرده است. ولیکن اذ ذکر چند نکته نباید چشم پوشید:

۱- اینکه ایشان نسخهٔ مجلس را کهن ترین نسخه دانسته‌اند نادرست

می‌باشد. نسخهٔ ش ۵۹۳ مجلس در قرن یازدهم نوشته شده، در پایان یکی از رسائل آن آمده: «و قدم تسویده فی شهر صفر سنة ستین والف من الهجرة و تاریخ ۶۸۵ که در پایان رسالهٔ «افجام» در جموعه دیده می‌شود تاریخ نسخهٔ محمود بن مسعود شیرازی (و شاید قطب شیرازی متوفی ۷۱۰) است که نسخهٔ مجلس از روی آن - یا مستقیماً یا با واسطه - استنساخ گردیده است.

۲- این که مرقوم داشته‌اند سومین رسالهٔ مجموعهٔ مجلس نامه‌ی فلسفی از

این کمونه است به پسرش نیز نادرست است و از این کمونه نیست. بلکه از شهرستانی است.

۳- بحثی که دربارهٔ حمد و ثنای دیباچه دارند کاملاً درست است و همین

موضوع یکی از اشکالات نسبت این کتاب را به این کمونه بوجود می‌آورد. چون وی در تمام کتابهای بزرگ و معروف خویش «الکشف» و «اللغة» و «المطالب المهمة» درود بر محمد و آل او را صراحة می‌آورد و نام خویش را نیز همه‌جا تصریح کرده است، و اگر این رساله از او باشد، تنها جایی است که باین شیوه دست زده، و شاید چون آنرا بادلگرمی بیشتر و اتکالی قوی تر بر یهود نگاشته است چنین رفتار کرده و خواسته باشد که هر دو گروه را راضی نماید.

۴- خرد دیگری که میتوان بر کار ایشان گرفت، تصحیح زیادی

است. رسالهٔ «تفقیح» دارای عبارات و جملاتی است که با قواعد دستور زبان عرب درست نمی‌آید، و این حتماً از خود مؤلف است که کتاب را به لهجهٔ عربی متداول میان یهود و خاصه در سوریه و فلسطین نگاشته است، مثلاً او در همه‌جا «ه» ضمیر سوم شخص را که بصورت «ی» تلفظ می‌شود همان گونه نوشته است چنانکه «رونقه» را «رونقی» و «مثله» را «مثلی» نوشته است. اما آقای مصحح همهٔ اینها را بصورت عربی فصیح بر گردانیده‌اند، و شاید خواسته‌اند

لهجه کتاب را به اسلوب دیگر مؤلفات ابن کمونه نزدیک سازند.
سیستم فکری ابن کمونه در کتب بزرگ او و موارد اختلاف و توافق
آن بامندرجات این کتاب در مقالات بعد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

1- Steinschneider, op . cit. ; See index S.V. Saad; also his Die arabische literature der Juden (Fran furt : 1902) , P. 178.

2- In Mon atsschrift fuer Geschite und Wissenschaft des Judentums, vol 69 (1905) , P.P. 295 - 311 .

3- Sa'd B. mansur Ibn Kammuna und sein Polemische schrift (Berlin : 1893).

۴- فهرست یوسف اعتصامی ۱ : ۱۸۴ و ۲ : ۵۹۳ . و نیز در مجله
المکتبه بغداد ج ۳ ش ۲ سال ۱۹۶۴ ص ۲۸ یاد شده که نسخه رونویس از
این نسخه اکنون در تملک دکتر حسین علی محفوظ در کاظمین می باشد.

5- Ed . M. Perlmann (New york : 1964) .
proceedings of American academy for Jewish
research, VOL. XXXII .

۶- نشانی این نسخه را پرفسور ه . ریتر باینجاناب (موشه پرلمان)
داد. و شماره ۱۳۴۱ فاتح دارد .

7- [ign.Guidi] Catalogo dei codici orientali della Biblioteca Angelica di Roma (Florenee: 1878) , PP. 64 - 66 .

8- M . Stein schneider Verzeichniss der Hebraeischen Handschriften der K. Bibliothek Zu Berlin (Berlin:1897), 1, 74 -77. The library of A. S. Yahuda had a copy made from this MS .

9- A. Neubauer, catalogue of the Hebrew munscripts in the Bodleian Library (oxford : 1886), Col . 423 F, No. 1281.